

طراحی خانه موسیقی سنندج با تاکید بر نقش موسیقی فولکلور در معماری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۸

کد مقاله: ۵۳۷۵۲

ارسلان طهماسبی^{۱*}، وریا عزیزی^۲

چکیده

بشر همواره در طول تاریخ به تلاش‌های گوناگون دست زده تا باورها و آرمان‌های انسانی خویش را در قالب اشکال مختلف بیان و به دیگران منتقل کند. بی‌تردید تاکنون اهمیت هیچ یک از تلاش‌ها به اندازه هنر، در نمایان ساختن جوهر پندار و اندیشه انسان و فرهنگ او امکان‌پذیر نگشته است و هنرهای گوناگون همچون موسیقی، نقاشی، معماری، مجسمه‌سازی، رقص، تئاتر و غیره به‌مثابه یکی از راه‌های بیان دانش و اشتیاق بشری نقش ارزنده‌ای در بافت کلی فرهنگ و جامعه بزرگ بشری ایفا کرده است. در طول تاریخ موسیقی از جمله هنرهای جدانشدنی انسان بوده و حضور در فضاهای آکنده با موسیقی بخشی از فعالیت‌های آگاهانه انسان در جوامع بشری بوده است. بطوریکه اولین جرقه‌های نزدیکی دو هنر معماری و موسیقی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر را گوته در اذهان مردم روشن ساخت. به گفته گوته یک فیلسوف برجسته معماری را به موسیقی منجمد تشبیه کرد. در راستای مطالب فوق پژوهش هدف از پژوهش حاضر طراحی خانه موسیقی سنندج با تاکید بر نقش موسیقی فولکلور در معماری می‌باشد که با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی به انجام و طراحی پژوهش پرداخته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: خانه موسیقی، سنندج، موسیقی فولکلور، معماری

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج (نویسنده مسئول)

Arsalan_thmasb@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری دانشگاه ایرانمهر قروه، کردستان.

از دیرباز همواره ارتباط هنرها با یکدیگر از سوی صاحب نظران این زمینه مورد مذاقه و تعمق قرار گرفته است. و این ارتباط و اثرگذاری همواره باعث متبلور شدن ایده ها و خلاقیت های نوینی بوده است. در این میان معماری و موسیقی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در طول تاریخ موسیقی از جمله هنرهای جدانشدنی انسان بوده و حضور در فضاهای آکنده با موسیقی بخشی از فعالیت های آگاهانه انسان در جوامع بشری بوده است. بطوریکه اولین جرعه های نزدیکی دو هنر معماری و موسیقی و تاثیر پذیری و تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر را گوته در اذهان مردم روشن ساخت. به گفته گوته یک فیلسوف برجسته معماری را به موسیقی منجمد تشبیه کرد. شایان ذکر است که این ادعا باعث عدم رضایت بسیاری گشت. ولی با این حال این اندیشه سنجیده و زیبا را نمی توان نادیده گرفت و باید از معماری بعنوان موسیقی خاموش نام برد. رابطه میان معماری و موسیقی بارها و بارها پیرامون آن بحث و بررسی و مقایسه قرار گرفته شده است و بر زمینه ها، مشابهت ها، ویژگی های مشترک و حتی به همانندی های ضمنی آنها اشاره شده است. این رویکردها از یونان کلاسیک آغاز گردید و دانشمندانی همچون فیثاغورس و افلاطون از جمله اولین کسانی بودند که تئوری هایی را درباره زیبایی به شکل قاعده در آوردند. هر کدام از هنرهای چندگانه، به فراخور ساختار خود دارای محدودیتها، امکانات و ویژگیهای خاص می باشند. مثلا معماری نیازمند تجلی در قالب های سه بعدی مادی است، به عبارت دیگر همیشه در ابعاد حجم اسیر و ناگزیر به استفاده از مصالح مادی است. هنری که تنها در یک بعد قابلیت شکل گیری دارد، هنر موسیقی است. بستر هنر موسیقی زمان است و از قیود مکانی رسته است. نحوه قرار گیری نت ها به دنبال هم در بستر زمان، ملودی و ریتم را میسازد. [۲:ص ۵۹] فضا دارای دو جزء مکان و زمان می باشد و ویژگی های یک فضا با شناخت این دو مولفه امکان پذیر است، و این دو مولفه غالبا مفهوم تجربی و فرهنگی نیز بخود میگیرند. که کم و بیش قابلیت اندازه گیری هستند. همانگونه که در موسیقی، اجرای نت روان، سیال و متصل و یا اجرای مقطع و ناپیوسته نت ها را داریم، در بافت موسیقی نیز معماران در صورت ساختمان و نصب بازشوها با فواصل گوناگون، گاهی همچون هنر گوتیک در جستجوی کاهش آرتیکولاسیون بواسطه تداوم بوده اند و گاهی نیز همچون اکسپرسیونیسم آلمان در آغاز قرن بیستم در جست و جوی پیوستگی و تداوم کامل هستند. سبک موسیقی فولکلور Folklore که به آن موسیقی فولک folk، فولکلوریک، قومی، بومی و یا محلی نیز می گویند. از انواع موسیقی سنتی محسوب می شود و شامل موسیقی های محلی و بومی مربوط به قوم ها و ملیت های یک منطقه خاص است. موسیقی فولکلور به نوعی یک طبقه بندی گسترده برای موسیقی های محلی است و برای دسته بندی این نوع از موسیقی ها مورد استفاده قرار میگیرد. موسیقی فولکلور نوع عامیانه و مردمی تر موسیقی سنتی است. موسیقی فولکلور معمولا به صورت سینه به سینه به نسل های بعد منتقل شده و این سبک از موسیقی فولکلوری که امروزه می شنویم در واقع حاصل تکامل و ارتقا موسیقی های سنتی اجداد و گذشتگان هر منطقه است. از همین رو در دنیا گاهی به این شکل از موسیقی، موسیقی احیاگر محلی نیز گفته می شود. لازم به ذکر است که موسیقی های محلی ایرانی در این دسته بندی قرار میگیرند. رقص و آواز یکی از مهم ترین موضوعات در عرصه هنر و فرهنگ است. در میان محققان این اجماع نسبی وجود دارد که بین رقصها و آوازهای سنتی، فرهنگ و مذهب رابطه ای ناگسستنی وجود دارد؛ اما چگونگی این رابطه و تحلیل آن، همیشه مورد توجه بوده است (هاتا، ۱۳۷۴: ۴۲۲ - ۴۰۹).

۱-۱- سوالات پژوهش

- خانه موسیقی رقص و آواز فرهنگ ها در اقوام ایرانی به چه صورتی می باشد؟
- میان موسیقی فولکلور در فرهنگ های ایرانی چه رابطه ای وجود دارد؟
- تا چه میزان فولکلور در میان اقوام ایرانی دارای اهمیت می باشد؟

۲- موسیقی

الف- تعریف لغوی موسیقی: از نظر لغوی، لفظ موسیقی به زبان یونانی باز می گردد و از کلمه ی Muse، الهه ی شعر و هنرهای زیبای یونان گرفته شده است. واژه هایی چون ملودی، ریتم، ارکستر، ارگ، سمفونی و گر نه تنها ریشه یونانی دارند بلکه تصور کلی یونانی ها را از معنی و غایت موسیقی ترسیم می کنند. کلمه ی موسیقی از نام پرندۀ ای به نام ققنس یا موسیقار گرفته شده است. به عقیده یونانیان خدای موسیقی و هنرهای زیبا، آپولون بود که به دختر داشت و هر یک از آنها موجد علوم و فنون گوناگون از شعر و ادب، ترانه و سرود و غیره بودند. یونانی ها به هر یک از این فرشتگان هنرهای زیبا (Muse) می گفتند و لفظ موزیک (موسیقی) نیز از آنجا گرفته شده است و فن نغمه پردازی و علم پرده را موسیقی می نامند. (کمال پور تراب، ۱۳۷۴)

ب- مفهوم موسیقی: موسیقی ترکیب اصوات به لحنی خوشایند است که سبب لذت شنوایی و انبساط و دگرگونی روح می گردد. آهنگ مرغان خوش نوا، وزش باد و حرکت برگ درختان، لغزش آب جویباران و ریزش آبشارها موسیقی ابتدایی بشر و اولین آموزگار انسان در آموختن این هنر بوده است. (خالقی، ۱۳۷۲) موسیقی بازتابی از عادات، تمایلات، سلیقه ها و در مجموع بیانگر

نظام فرهنگی یک قوم یا ملت است. هر جامعه ای دارای نوعی موسیقی خاص است، که به صورت قالبی برای بیان اندیشه ها و وسیله ای برای بیان چیزهایی است که به شیوه های دیگر قابل بیان نیستند. این هنر بازگو کننده آمال، آرزوها، احساسات، غم و شادی ها و مقولاتی مانند عشق، حماسه، عرفان و بزم است و پیام آرامش، صلح و دوستی بین ملت ها و اقوام به ارمغان می آورد زیرا درک و حس موسیقی محدود به زبان، نژاد و مذهب خاص در دنیا نیست، بلکه درک احساسات انسانی است و تا مرز بشریت در جهان امتداد دارد. (فرخ نیا، محمدی، ۱۳۸۹) هدف و نشانه موسیقی ایران ایجاد تعادل در روح و روان آدمی از طریق آگاهی و تفکر بیشتر است. هر چه سازماندهی این موسیقی هنرمندانه تر باشد، تعادل ایجاد شده در روح و روان آدمی بیشتر می شود، تا بدان جا که در هنگام شنیدن نوعی شست و شوی روح و روان صورت می گیرد و پس از آن نوعی نشاط و سبکی روح. (یاقوتی، کاظمی، ۱۳۹۳).

ج- کاربردهای موسیقی: برخی افراد گمان می کنند موسیقی فقط یک تفریح و تفتن است که البته در یک حالت خاص می تواند چنین باشد. با نگاهی گذرا به زندگی اجتماعی پیرامون خود به روشنی می بینیم که موسیقی چه کارکردهای گسترده ای در همه ی جوانب زندگی ما دارد، برخی موارد استفاده ی آن بدین شرح است؛

- موسیقی سرور؛ که به بیان شور و شادی در مراسم جشن تولد، ختنه سوران، عروسی، جشن موفقیت های کاری، جشن خداحافظی، جشن استقبال، جشن پیروزی های جنگی و ... می پردازد.
- موسیقی سوگ؛ که به بیان غم و ماتم به ویژه در هنگام مرگ نزدیکان، بلاهای طبیعی، خرابی های جنگ و ... می پردازد.
- موسیقی حماسی؛ که شامل مارش های جنگی، سرودهای میهنی و انقلابی می شود
- موسیقی مذهبی؛ ویژه ی معابد، مساجد، کلیساها و ... که با شکل هایی چون مرثیه خوانی، نوحه خوانی، مناجات خوانی، مولودی خوانی و ... بروز می کند.
- موسیقی عاشقانه و عارفانه؛ که بیانگر حالات تنهایی و دلدادگی به معشوق زمینی و آسمانی است.
- موسیقی توصیفی که برای وصف یک رویداد طبیعی، اجتماعی و غیره به کار می رود و معمولا موسیقی های فیلم و نمایش از موسیقی توصیفی بیشتر بهره می گیرند.
- موسیقی درمانی که در بیشتر فرهنگ های بومی رواج دارد و از آن برای درمان برخی بیماری های روحی و روانی استفاده می شود.
- موسیقی سرگرمی و تفتن . (فرخ نیا، محمدی، ۱۳۸۹)

د- مفهوم سبک در موسیقی: سبک در موسیقی به مفهوم روش مشخص، تصنیف و اجرای موسیقی است. این معنا بر آهنگسازان فرد، و بر عصری از تاریخ موسیقی، هر دو اطلاق می شود. سبک های موسیقایی، مانند بسیاری از چیزهای دیگر، از عصری به عصر دیگر دگرگون می شوند. (کیمی، ۱۳۷۷) ما از واژه سبک استفاده می کنیم تا روش خاصی را توضیح دهیم که موسیقی دانان دوره های مختلف و سرزمین های گوناگون برای در هم آمیختن و ارائه ی این ارکان اصلی در موسیقی شان به کار گرفته اند. در حقیقت روش خاصی که بر اساس آن این عناصر موسیقایی مورد توجه قرار می گیرند و با یکدیگر ترکیب می شوند، به اثر موسیقی حال و هوای خاصی می بخشد که سبک آن دوره ی خاص را نشان می دهد و همچنین نشانه های خاصی را به دست می دهد که با توجه به آن ها خواهیم توانست سبک و لحن موسیقی آهنگ سازان متفاوت را از یکدیگر تمیز دهیم. (فرخ نیا، محمدی، ۱۳۸۹)

۳- موسیقی محلی ایران

اغلب فرهنگ های پیشرفته علاوه بر موسیقی به اصطلاح سنتی خود، دارای موسیقی دیگری نیز هستند که به آن موسیقی محلی گفته می شود. موسیقی همه ی احتیاجات مردم را در خود منعکس می کرده است و به تمام شئون فردی و اجتماعی تعلق داشته است. موسیقی محلی در قلمرو شاخه ای با گونه ای از فرهنگ و هنر قرار می گیرد که به آن فرهنگ عامه می گویند. از ویژگی های موسیقی بومی، سادگی و بی پیرایه بودن آن است. در موسیقی بومی یا محلی ایران از یک سو نقش هنرهای اولیه، باورها، احساسات و به طور کلی زندگی گذشتگان و از سوی دیگر جلوه های طبیعت را می توان باز یافت. جزء اصلی موسیقی محلی ایران را ترانه ها تشکیل می دهند. در بسیاری از این ترانه ها یادی از افسانه ها و داستان های آشنای محلی شده است. از ویژگی های موسیقی محلی در ایران کارایی آن در مراسم مذهبی است. بنابر آنچه در تاریخ آمده در دوره ی هخامنشی تیایب های خود را با آهنگ می خوانده اند. موسیقی سازی به قدر موسیقی آوازی محلی توانسته رشد کند؛ چون موسیقی آوازی از لحاظ تاریخی مقدم بوده و بشر به آسانی توانسته در هر شرایطی و یا در هر مکانی آواز بخواند؛ اما ساز ها در مراحل پیشرفته تر تمدن و به تدریج ساخته شده اند و سپس مورد استفاده قرار گرفته اند. سازهای بومی و محلی به دلیل باقی ماندن ساختار اولیه و اصیل آنها و یا لااقل مقدار زیادی از آن ویژگی ها، در حد خود به شناخت ساز شناسی و در نتیجه تاریخ موسیقی ایران کمک می کنند. (میهن دوست، ۱۳۸۷).

۴- موسیقی محلی و بومی

تمام پژوهشگران موسیقی در ارائه تعریف واحد و مشخص برای موسیقی محلی اتفاق نظر ندارند برخی موسیقی محلی را معادل موسیقی عامیانه، موسیقی فولکلوریک، موسیقی بومی، موسیقی مردمی و موسیقی توده دانسته اند، (وجدانی، ۱۳۷۶) موسیقی نقاط مختلف در فرهنگ های پیشرفته سوای موسیقی سنتی قابل بررسی است. موسیقی محلی جان مایه ای از رنگ و شکل مخصوص محلی دارد، از خصوصیات این موسیقی، روانی، سادگی و یک صدایی بودن آهنگ هاست که غالباً سینه به سینه محفوظ مانده و سازنده مشخصی ندارد، بلکه به نظر می آید بسیاری از آن ها ساخته زبان مردم روستایی است که از آباء و اجداد به یاد دارند. ترانه های قومی مانند موسیقی نقاط مختلف ایران چون موسیقی بختیاری، بلوچی، ترانه های محلی فارسی، گرگان، گیلان، مازندران و مانند آن ها را می توان موسیقی محلی نامید. (ستایشگر، ۱۳۷۵) این موسیقی شامل آهنگ ها و ترانه های مردم دهاتی دور از شهر است که تا اندازه ای طبیعی به نظر می آید و دست علم و هنر به آن نرسیده است. نعمات موسیقی محلی چون ساده و طبیعی است بسیار مؤثر و دلنشین می باشد. این موسیقی در اکثر کشورها اهمیت فوق العاده ای دارد و آهنگسازان بزرگ از نواهای آن استفاده های بسیار کرده اند. (وجدانی، ۱۳۷۶) موسیقی های محلی اقوام و مناطق مختلف ایران عمق موسیقی ایرانی هستند، بی توجهی به این موسیقی ها موجب نادیده گرفتن بخش عظیمی از هویت موسیقی ایرانی است. ورود کنترل نشده سازهای الکترونیکی موجب فراموشی سازهای اصیل ایرانی در موسیقی اقوام مختلف شده است. موسیقی قوم گردی موسیقی ترک، عرب، ترکمن، موسیقی خاص محلات ایرانی، همه و همه گنجینه پربراری از خلاقیت و شکوفایی مردم این سرزمین است و کیست که از داشتن چنین پشتوانه فرهنگی ای، احساس غرور و سربلندی نکند (رفیعی، ۱۳۸۷).

۵- موسیقی فولکلوریک

شرایطی و یا در هر مکانی آواز بخواند؛ اما سازها در مراحل پیشرفته تر تمدن و به تدریج ساخته شده اند و سپس مورد استفاده قرار گرفته اند. سازهای بومی و محلی به دلیل باقی ماندن ساختار اولیه و اصیل آنها و یا لاقط مقدار زیادی از آن ویژگی ها، در حد خود به شناخت سازشناسی و در نتیجه تاریخ موسیقی ایران کمک می کنند. (میهن دوست، ۱۳۸۷) وقتی از موسیقی فولکلوریک سخن می گوئیم در واقع منظور نوعی از موسیقی است که در کنار موسیقی سنتی یا کلاسیک هر ملتی رواج دارد. نوعی از موسیقی که از درون بسترهای اجتماعی جامعه برخاسته و زندگی قشر زیربنایی آن را توصیف می کند. نوعی از موسیقی که سازندگان آن لزوماً آموزش موسیقایی ندیده اند و ترانه ها، ریتم ها و ملودی های به کار رفته در آن را براساس سبک زندگی نوشته اند. در متن ترانه های فرهنگ عامه که مضمون آنها اغلب عشق، دوری از معشوق و گاهی اعتراض به شرایط حاکم است، می توان زبان توده ی مردم را به خوبی دریافت. نکته جالب توجه این است که این ترانه ها با توجه به قومیت افراد نیز در هر جامعه ای متفاوت است. برای مثال در متن بعضی از ترانه ها می توان نقش کشاورزی و دامداری را در زندگی مردم به وضوح مشاهده کرد که این می تواند نشان از آن باشد که ترانه متعلق به منطقه ای است که کار کشاورزی یا دامداری در آن رواج داشته است. از طرف دیگر سبک موسیقایی این قطعات موسیقی نیز بسته به نوع قومیت ها با یکدیگر متفاوت است. در کشور ایران که از قومیت های گوناگونی تشکیل شده است هنگامی که به کنکاش در موسیقی محلی بپردازیم این تفاوت ها کاملاً مشهود است. در نهایت نکته ی قابل توجه آن است که تمام این ترانه ها و ملودی های عامه متعلق به قشر زیربنایی جامعه بوده و به صورت شفاهی به نسل های بعدی رسیده است، چه بسا که در اغلب موارد نام سازنده ی قطعه نامشخص است. (کدخدا زاده، ۱۳۹۵)

ایران به لحاظ قدمت تاریخی دارای تنوع آداب و رسوم و عقاید است و به همین لحاظ دارای فولکلور غنی است. از آن جا که موضوع مطالعه فولکلور، بررسی جنبه های مختلف زندگی عامه است، بنابراین می توان گفت فولکلور در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه، دارای دو نوع پرورش عوام (مردم کوچه و بازار) و خواص (نخبگان) باشند؛ زیرا در جامعه ای که تمام اعضای آن را افراد تحصیل کرده و فرهیخته تشکیل داده باشند، فولکلور وجود نخواهد داشت و یا برعکس، در مورد جوامع بسیار بدوی و رشد نیافته که حتی خواندن و نوشتن هم نمی دانند، نیز به کار بردن کلمه فولکلور، معنا نمی دهد؛ اما به عقیده بسیاری از فولکلورشناسان، چنین جوامعی هرگز وجود خارجی ندارند. (هدایت، ۱۳۸۵)

۶- هارمونی در معماری و موسیقی

هماهنگی یا هارمونی؛ در موسیقی، توافق و سازش اصوات و الحان و در معماری توافق تم ها و موتیف ها و موضوع ها با یکدیگر است. وقتی در معماری سخن از تناسب به میان می آید و گفته می شود؛ تناسب عبارت است از تمامی رابطه هایی که درون و اطراف بنا وجود دارد، به گونه ای خاص، از هم آهنگی یا هارمونی (نزدیک به معنایی که موسیقی دان در نظر دارد) سخن رفته است. پروفیسور "اسلو" در جای دیگر گفته است: "در معماری رنگ، بافت، شکل، نرمی، خشونت و انعکاس، تماماً می توانند هم آهنگ باشند. به طور کلی برداشت احساسی قضیه این است که؛ معماری بایستی آسایش بخش و هم آهنگ باشد. درست است که در موسیقی، هم آهنگی در معنای سازش اصوات با یکدیگر است، ولی در مفهوم وسیع تر، تناسبی است میان اصوات، جمله های موسیقی و تم و رنگ و طنین سازها با یکدیگر. (یاقوتی، کاظمی، ۱۳۹۳) همان گونه که در موسیقی، اجرای نت روان، سیال و

متصل و با اجرای مقطع و ناپیوسته نت ها داریم، معماران نیز در صورت ساختمان و نصب بازشوها با فواصل گوناگون، گاهی این ناپیوستگی را ایجاد کرده اند. هر چند در هر طبقه از ساختمان ما می توانیم با نظاره گری بر پنجره ها و بازشوها و فضاهای خالی (سکوت) به ملودی آن گوش فرا دهیم، توأمان می توانیم با نگریستن به بدنه ضلع یک ساختمان، دو یا سه طبقه را به شکل یک هارمونی به یک چشم انداز دریافت کنیم. (طالب صفا، عربی، ۱۳۹۴)

۶-۱- مفهوم شکل یا فرم در هنر

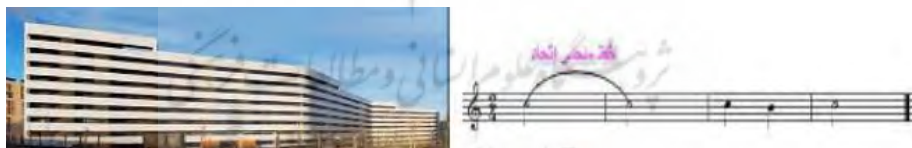
شکل یا فرم عبارت است از ترکیب عناصری که یک مجموعه کامل و زنده را به وجود می آورد و عاملی است که هم آهنگی میان عناصر برقرار - میسازد. هنرمند بی شک از چگونگی عناصری که برای ایجاد فرم اثر خود بر می گزیند، آگاهی و وقوف کامل دارد. اگر هنرمندی است که با طول و عرض و ارتفاع، یعنی: مجسمه سازی، معماری، کوزه گری، سبذبافی و جز اینها سر و کار دارد، بالطبع مصارف بر عناصر یاد شده در هنر دو بعدی، از حجم نیز بهره خواهد گرفت. آنان که با هنر چهاربعدی مانند موسیقی، ادبیات، رقص و نمایش ارتباط دارند، مضاف بر تمام عناصری که یاد شد، از بعد زمان هم استفاده خواهد کرد (یاقوتی، کاظمی، ۱۳۹۳).

۶-۲- هندسه در موسیقی و معماری

در بررسی معماری گذشته با نسبت های ریاضی و هندسه سر و کار داریم که بر پایه اصول زیبایی شناسی است و امروز به آن ها نسبت های طلایی می گوئیم. این نسبت ها نه تنها در معماری بلکه در موسیقی، خوشنویسی، نقاشی و دیگر هنرها رعایت می شوند. وقتی به موسیقی گذشته مان نیز مراجعه می کنیم، متوجه جایگاه خاص هندسه و ریاضی در آن می شویم. به عنوان مثال، بخشی مهم در موسیقی داریم که تقسیم دستان نام دارد و پرده ها را از نظر ریاضی، به نسبت های طولی تقسیم می کند. هنگامی که این تقسیمات را با نسبت های ریاضی اندازه می گیریم، متوجه می شویم که این نسبت ها در معماری نیز وجود دارند با این تفاوت که این نسبت ها در موسیقی، فواصل موسیقایی هستند که ما آن ها را از طریق نغمه ها می شنویم، حال آنکه در معماری با استفاده از مواد به عینیت در می آیند. (طالب صفا، عربی، ۱۳۹۴)

۶-۳- مفهوم خط در معماری و موسیقی بومی

خط مجموعه ای است از نقطه هاست. خاصیت خط، حرکت و جنبش به سوی مقصدی است. خطوط افقی، عمودی، مایل، منحنی، شکسته و مارپیچ، هریک در بیننده احساس خاصی را القا می کند. خط در معماری، ایفا کننده نقش اساسی در نقش انگیزی است. در موسیقی به گونه های متفاوت خود را می نمایند گاه افقی (به صورت جمله های یک صوتی) زمانی به گونه عمودی (به وسیله آکوردها، در علم هم آهنگی کلاسیک)، گاهی به صورت موازی (در کنترپوان) و زمانی نیز به صورت های متقاطع، مایل و درهم (در هارمونی مدرن). شکل زیر نمودار خط در معماری و موسیقی را نشان می دهد. (یاقوتی، کاظمی، ۱۳۹۳)



شکل ۱. وجوه تشابه خط در موسیقی و معماری (منبع: بیژن راد، ۱۳۹۳)

۶-۴- مفهوم رنگ در معماری و موسیقی

رنگ را نیز می توانیم در هر دو مقوله ی موسیقی و معماری بیابیم به طوری که در موسیقی از عوامل کیفی صدا و در معماری از عوامل کیفی فضا مجسوب می شود. البته در موسیقی رنگ، کیفیت معنوی دارد و فقط می توان آن را حس کرد اما در معماری کیفیت مادی دارد و می توان آن را دید و لمس کرد هرچند نمی توان از کیفیت معنوی آن در معماری نیز صرف نظر کرد. (همان)

۶-۵- صوت در معماری و موسیقی بومی کردی

موسیقی بیش از هر چیز از صوت یا صدا ساخته می شود. چیدمان اصوات و سکوت در کنار یکدیگر است که در نهایت به خلق قطعه ای از موسیقی منجر می شود. در معماری نیز مساله صوت توسط علم آکوستیک ظهور می کند، چه آنجا که در مسجدها چون مسجد جامع سنندج، شاهکاری خلق می شود که بدون هیچ تکنولوژی می توان صدا را تا چند برابر کرد و چه آنجا که دیواره هایی از مصالح آکوستیک برای عایق صدا ساخته می شود همگی کاربرد صوت و معماری هستند. (همان)

۶-۶- هنر بومی و فولکلوریک



شکل ۲. مسجد جامع سنندج (منبع، کلانتری، ۱۳۹۴)

هنرهای سنتی و بومی (فولکلور) هر منطقه از سرزمین پهناور کشورمان، تجلی گاه اعتقادات، باورها، مناسبات اجتماعی و اقتصادی و به طور کلی فرهنگ مردمی است که در سالیان متمادی با هم زیسته اند. طرح و نقش های صنایع دستی و آثار هنری مردم ایران طی نسل ها بر مبنای آرزو، نیاز و باورهای پاک مردم عامی شکل گرفته و در گذر زمان با طرح و نقش های آثار اقوام مجاور نیز آمیخته شده و هنر ملی ما را شکل داده است، نقوش و طرح های سنتی ایران با انسان و با آنچه به فطرت و تفکرات او مربوط است پیوستگی دارد.

در حقیقت نقش و نگارهای آثار سنتی و صنایع دستی ایران، گواه نیروی آفرینش، ذوق و هنر مردم عامی است و در عین سادگی از زندگی روزمره، رنجها و افسانه های آنها الهام گرفته است. از این رو این نوع هنر اساسا والا و متعهد است. این آثار سنتی و صنایع دستی، گرچه مانند سایر مظاهر فرهنگ عامه (فولکلور) در تاریخ رسمی هنرهای کشورمان جایی ندارند، اما ویژگی های ارزشمند و خاص خود را دارند. هنر فولکلور در زمان آفریده می شود و در صورت پذیرش از سوی مردم تداوم پیدا می کند (سراج، ۱۳۹۰). امیدوار کننده و خوش بین است و چون از زندگی مردم عادی نشات گرفته ساده و بی پیرایه است. آموزش هنر بومی و فولکلوریک هنرهای سنتی و بومی (فولکلور) هر منطقه از سرزمین پهناور کشورمان، تجلی گاه اعتقادات، باورها، مناسبات اجتماعی و اقتصادی و به طور کلی فرهنگ مردمی است که در سالیان متمادی با هم زیسته اند. طرح و نقش های صنایع دستی و آثار هنری مردم ایران طی نسل ها بر مبنای آرزو، نیاز و باورهای پاک مردم عامی شکل گرفته و در گذر زمان با طرح و نقش های آثار اقوام مجاور نیز آمیخته شده و هنر ملی ما را شکل داده است، نقوش و طرح های سنتی ایران با انسان و با آنچه به فطرت و تفکرات او مربوط است پیوستگی دارد. در حقیقت نقش و نگارهای آثار سنتی و صنایع دستی ایران، گواه نیروی آفرینش، ذوق و هنر مردم عامی است و در عین سادگی از زندگی روزمره، رنجها و افسانه های آنها الهام گرفته است. از این رو این نوع هنر اساسا والا و متعهد است. این آثار سنتی و صنایع دستی، گرچه مانند سایر مظاهر فرهنگ عامه (فولکلور) در تاریخ رسمی هنرهای کشورمان جایی ندارند، اما ویژگی های ارزشمند و خاص خود را دارند. هنر فولکلور در زمان آفریده می شود و در صورت پذیرش از سوی مردم تداوم پیدا می کند.

۷- رابطه معماری و موسیقی

این دو هنرهایی هستند که در صورت انتزاعی و در مفهوم «مجرده شناخته می شوند و برخورد روزمره با آنها نیز مجزا و مجرد می باشد، انتزاعی بودن خصیصه ای مشترک در بین هنرهاست، موسیقی، هنری شنیداری می باشد و در مرحله آغازین ارتباط با مخاطب» می تواند با ایجاد حالات صوتی، حس او را در لحظه بسازد و یا ضمیر ناخودآگاه را به تداعی معانی وادارد، عدم دیدن لمس و تفکر بر روی آنها از عوامل مهم انتزاعی بودن این هنر است. با بررسی و با شناخت عناصر مادی و طبیعت معماری، توجه به حالات درونی و تفکر مخاطب می توان گفت: معماری نیز انتزاعی است. اگرچه عناصر طبیعی در معماری آنگونه که باید باشند نیستند و تغییر شکل یافته اند. موسیقی ایستا نیست ولی معماری ایستا است. در مورد نقاشی، ایستایی در بطن کار معرفی می شود، برخورد دو علم مشترک البتیه (هندسه و ریاضی) که هر دو هنرهای ذهنی منبعث و مشتق از طبیعت هستند در موسیقی و معماری به نحوی سازگاری ایجاد نموده است که حس مشترک بودن معماری و موسیقی را تقویت می کند و راه را برای ارزیابی این دو هنر مهیا می سازد. اساس معماری به نوع دید طراح اثر و نوع نیاز استفاده کننده بر می گردد و اساس موسیقی نیز بر نوع نگاه موسیقیدان و خالق اثر و نوع شنود مخاطب بنا می شود. اصولا هنر، گفت و شنود هنرمند است با مخاطب؛ هنر، گفت است و نقد مخاطبان، شنود. (یاقوتی، کاظمی، ۱۳۹۳) معماری و موسیقی در ابعاد علمی و به ویژه هنریشان، از ارکان اصلی فرهنگ و تمدن بشر در هر گستره ی زمانی و بیانگر رشد و تعالی روحی و معنوی افراد نسل خود بوده و نیز نمایانگر نحوه ی نگرش و بینش آنان به جهان پیرامون و درون خود است. رابطه ی نزدیکی بین معماری و موسیقی از طریق مفاهیم مشترک و متداول وجود دارد. از بین تمام اشتراکات میان موسیقی و معماری، همانا اشاره به وجود سه جنبه ی مهم از سیر یک پدیده ی خلاقانه حائز اهمیت است. اول؛ شناخت، دوم تحلیل و بررسی و سوم آفرینش، دو ویژگی اصلی و اساسی کاربردی بودن و تعالی بودن، یکی برای معماری و دومی برای موسیقی، کسی انکار نمی کند. هر اثر معمارانه، زاده ی فضای معمارانه ای است که معمار به تصور خود می سازد. به همین ترتیب هر اثر موسیقایی، زاده ی فضای پر رمز و رازی است که موسیقیدان، پیش از آفرینش هر اثر در ذهن خود به تصویر در می آورد. (تحریریه هنر معماری، ۱۳۹۰).

از دیرباز همواره ارتباط هنرها با یکدیگر از سوی صاحب نظران این زمینه مورد مذاقه و تعمق قرار گرفته است. و این ارتباط و اثرگذاری همواره باعث متبلور شدن ایده ها و خلاقیت های نوینی بوده است. در این میان معماری و موسیقی نیز از این قاعده

مستثنی نبوده است. در طول تاریخ موسیقی از جمله هنرهای جدانشدنی انسان بوده و حضور در فضاهای آکنده با موسیقی بخشی از فعالیت های آگاهانه انسان در جوامع بشری بوده است. بطوریکه اولین جرقه های نزدیکی دو هنر معماری و موسیقی و تاثیر پذیری و تاثیرگذاری آنها بر یکدیگر را گوته در اذهان مردم روشن ساخت. به گفته گوته یک فیلسوف برجسته معماری را به موسیقی منجمد تشبیه کرد. شایان ذکر است که این ادعا باعث عدم رضایت بسیاری گشت. ولی با این حال این اندیشه سنجیده و زیبا را نمی توان نادیده گرفت و باید از معماری بعنوان موسیقی خاموش نام برد. رابطه میان معماری و موسیقی بارها و بارها پیرامون آن بحث و بررسی و مقایسه قرار گرفته شده است و بر زمینه ها، مشابهت ها، ویژگیهای مشترک و حتی به همانندی های ضمنی آنها اشاره شده است. این رویکردها از یوتان کلاسیک آغاز گردید و دانشمندانی همچون فیثاغورس و افلاطون از جمله اولین کسانی بودند که تئوری هایی را درباره زیبایی به شکل قاعده در آوردند. هر کدام از هنرهای چندگانه، به فراخور ساختار خود دارای محدودیت ها، امکانات و ویژگی های خاص می باشند. مثلا معماری نیازمند تجلی در قالب های سه بعدی مادی است، به عبارت دیگر همیشه در ابعاد حجم اسیر و ناگزیر به استفاده از مصالح مادی است. هنری که تنها در یک بعد قابلیت شکل گیری دارد، هنر موسیقی است. بستر هنر موسیقی زمان است و از قیود مکاتی رسته است. نحوه قرار گیری نت ها به دنبال هم در بستر زمان، ملودی و ریتم را میسازد. قضا دارای دو جزء مکان و زمان می باشد و ویژگی های یک قضا با شناخت این دو مولفه امکان پذیر است، و این دو مولفه غالبا مفهوم تجربی و فرهنگی نیز بخود میگیرند. که کم و بیش قابلیت اندازه گیری هستند. همانگونه که در موسیقی، اجرای نت روان، سیال و متصل و با اجرای مقطع و ناپیوسته نت ها را داریم، در بافت موسیقی نیز معماران در صورت ساختمان و نصب بازشوها با فواصل گوناگون، گاهی همچون هنر گوتیک در جستجوی کاهش آرتیکولاسیون بواسطه تداوم بوده اند و گاهی نیز همچون اکسپرسیونیسم آلمان در آغاز قرن بیستم در جست و جوی پیوستگی و تداوم کامل هستند.

۸- معرفی استان کردستان

استان کردستان یکی از استان های ایران به مرکزیت شهر سنندج است که در غرب کشور واقع شده است. مساحت این استان ۲۸/۲۰۰ کیلومتر مربع معادل ۷/۱٪ مساحت کل کشور ایران است. این استان که در دامنه ها و دشت های پراکنده سلسله جبال زاگرس میانی قرار گرفته است، از شمال به استان های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به همدان و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از غرب به اقلیم کردستان و کشور عراق محدود است. استان کردستان با کشور عراق ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. استان کردستان براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۰ دارای ۱۰ شهرستان، ۲۹ شهر، ۳۱ بخش، ۸۶ دهستان و ۱۶۹۷ آبادی دارای سکنه و ۱۸۷ آبادی خالی از سکنه بوده است. شهرستان های این استان عبارتند از: سنندج، سقز، مریوان، بانه، قروه، کامیاران، بیجار، دیواندره، دهگلان و سروآباد. برپایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ استان کردستان ۱/۶۰۳/۰۱۱ نفر جمعیت دارد که ۶۶ درصد شهری و ۳۴ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می دهد. تراکم نسبی جمعیت معادل ۵۱/۲ نفر در کیلومتر مربع است.

۷-۱- معرفی شهرستان سنندج

سنندج بیست و یکمین شهر بزرگ ایران، مرکز استان کردستان در غرب ایران است. نام سنندج دگرگون شده سنه دژ است و سنه دژ نیز دگرگون شده نام سینه دژ است و به این علت این نام را انتخاب کردند زیرا در وسط و مرکز یا سینه دژ (کوه های آیدر و رشته کوه زاگرس است. شهر سنندج به شهر هزارتپه معروف است و همچنین به سنندج شهر مساجد نیز می گویند. زبان مردم، کردی مرکزی با گویش اردلانی است که پس از گذشت زمان تغییراتی در سخن گفتن و لهجه ساکنان آن منطقه ایجاد شده است. سنندج در ارتفاع ۱/۴۵۰ تا ۱/۵۳۸ متری از سطح دریا و در منطقه کوهستانی زاگرس واقع شده و آب و هوای سرد و نیمه خشک دارد. این شهر از سمت غرب به کوه آیدر، از سمت شمال به کوه شیخ معروف، از سمت جنوب به کوه سراج الدین، محدود شده است و در منطقه ای به وسعت ۳۶۸۸/۶ هکتار گسترده شده است. جمعیت این شهر بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، برابر با ۴۱۲/۷۶۷ نفر است. سنندج به لحاظ موقعیت جغرافیایی و فعالیت های شهرسازی عصر صفوی و قاجار، از بافت شهری سنتی با ارزشی برخوردار است که بناهای مسکونی و عام المنفعه متعددی مانند حمام، مساجد و بازار در آن باقی مانده است؛ و دارای محدوده بافت تاریخی فرهنگی با وسعتی معادل ۱۱۲ هکتار است. این شهر یکی از قطب های گردشگری سالم در ایران شناخته می شود.

۸- نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن می باشد که خانه موسیقی رقص و آواز فرهنگ ها در اقوام ایرانی برگرفته شده از ریتم و ضرب آهنگ، یک مارش نظامی با فواصل و نظم معین می باشد که به طور مثال می توانیم چنین ضرب آهنگهایی را با فواصل منظم بیانگر ستون های منظم در بناهای تاریخی ایرانی دانست یا ریتم آرام لالایی مادرانمان که در آواز همایون به نام گوشه ی بختیاری ثبت شده است؛ بیشتر نمایانگر آرامش وسطوح منحنی در معماری مثل طاق های نیم کروی خانه های کاه گلی است. از

دیگر اصطلاحات مشابه به تقارن و یا عدم تقارن می توان اشاره کرد؛ تقارن در موسیقی مثل فاصله نت های دستگاه ماهر که تقریباً دارای یک پرده فاصله از هم می باشد و ربع پرده ندارد و تقریباً مثل ماژور اروپایی هاست که در شنونده باعث نشاط و شادمانی می شود. تقارن در معماری که با توجه به فواصل دهانه های سی و سه پل می توانیم آن را به دستگاه ماهر تشبیه کنیم. در سوی دیگر نیز می توانیم موسیقی های فولکور قرار دارد که اینگونه موسیقی نیز با فرهنگ ایرانی رابطه معناداری دارند این رابطه را می توان شامل اصطلاحات مشابه و تعبیر آنها، درک بصری از اصوات، خلق یا تداعی فضا، انتخاب سازها و جنس صدا و خاطره و انتقال اطلاعات مشاهد کرد چرا که هر دوی آنها دارای وجه اشتراکی می باشند از جمله :

۱. ساده ترین رابطه، شباهت ها، فصل های مشترک و اصطلاحات مشابه موسیقی و معماری است
 ۲. درک بصری از اصوات و امواج محیط پیرامون و طبیعت، در آفریدن هر دو دخیل هستند
 ۳. برخی از موسیقی ها و یا سبک ها، ذاتاً روح فضا سازی، تجسمی و تصویری دارند
 ۴. موسیقی فولکلور و اصیل ایرانی با اینکه فضا سازی نمی کند ولی اطلاعات خوبی را به ذهن انسان وارد می کند
- در میان اقوام مختلف ایرانی، موسیقی ریشه و اصالت دارد. موسیقی در رگ و خون ایرانی ها تنیده شده است و اغلب اقوام ایرانی بر اساس رسم و آیین پدران خود، علاقمندی به موسیقی محلی را حفظ کرده اند. شاهد این مدعا، میزان استقبال از موسیقی های محلی در جشن ها و مراسم های عروسی است که می تواند به میزان اهمیت موسیقی های فولکور در یان اقوام ایرانی دلالت نماید.

منابع

۱. خالقی، روح الله (۱۳۷۲)، نظری به موسیقی، نشر نوبهار، جلد ۱
۲. مسعودیه، محمد تقی (۱۳۵۹)، موسیقی تربیت جام. تهران: انتشارات سروش - آریان پور، امیرحسین، (۱۳۵۴). اجمالی از جامعه شناسی هنر، تهران: دانشکده هنرهای زیبا
۳. میهن دوست، محسن، (۱۳۸۷). موسیقی بومی و فولکوریک ایران زمین را بیشتر دریابیم، کتاب ماه هنر
۴. کیارش پور، منا (۱۳۹۴). پردیس موسیقی ایران زمین (طراحی خانه موسیقی با رویکرد معماری ایرانی). تهران: دانشکده هنر و معماری
۵. کلانتری، محسن و مریم قیامی. (۱۳۹۴). گردشگری موسیقی موسیقی مقامی تربیت جام). فصلنامه فضای گردشگری سال چهارم . شماره ۱۵
۶. بیژن راد، فرانک و کاوه رستم پور. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر موسیقی بر معماری در طراحی ساختمان های موسیقی از ایده تا فرم). کنگره بین المللی پایداری در معماری و شهرسازی، شهر مصدر. امارات متحده عربی، دبی و ابوظبی: کانون سراسری انجمن های صنفی مهندسان معمار ایران
۷. تاج زاده ثمین، ابوالفضل و ژاله هاشم زاده. (۱۳۹۳). نقش جشنواره های موسیقی محلی در توسعه ی گردشگری، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات مدیریت گردشگری، سال هشتم، شماره ۲۶
۸. فیض ثابت، مصطفی، عبدالحسین مختاباد، فاطمه براتلو، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سیاست گذاری فرهنگی بر موسیقی محلی گیلان. مجله مدیریت فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۲
۹. ماجدی، حمید، شاملو کیا. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر طبیعت و محیط زیست در موسیقی ایران، علوم و تکنولوژی محیط زیست. دوره سیزدهم، شماره ۲
10. Architecture and Mathematics: Art, Music and Science Kim Williams Director Educators Association Conference: Working Together, Langston, C. (Ed).
11. Deakin University, Geelong, Victoria. 21. Ham, J. 2003a, 'Media Use in the Design Studio: A Case Study of Second Year
12. Architecture', Pro-ceedings of the 2003 Australian Universities Building 22. Jeremy J. HamDcakin University, Australi 23. Martin, E. 1994. Architecture as a Translation of Music. Pamphlet Architecture No.16.
13. Princeton Architectural Press 24. Music and Architecture: from Digital Composition to Physical Artifact 25. Music as an Art of Space: Interactions between Music and Architecture in the Work of Iannis Xenakis Sven Sterken Directir 26. <http://www.ab.deakin.edu.au/online> 27. <http://www.sydneypopera.house.com>